تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)
دورهٔ ۱۶، شمارهٔ ۶۲، زمستان ۱۴۰۳، صص۳۶۷-۳۸۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸
(مقالهٔ پژوهشی)
DOI:

بررسی فنون بدن و بازتاب اجتماعی آن در خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای براساس نظریهٔ مارسل موس

مریم جبروتیان[۱]، دکتر علیرضا قوجه‌زاده[۲]، دکتر مرجان علی اکبرزاده زهتاب[۳]، دکتر پرستو یمینی[۴]

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

چکیده

در طول تاریخ، بدن در سطح فردی و اجتماعی، همیشه هویّت‌ساز بوده است. فنون بدنی شامل مهارت‌ها و بازده‌ها، قوای جسمانی، سن، مسائل دینی، شیوه مصرف غذایی و نیز فنون جنسی برای بیان عواطف و احساسات و موجب بدنمندی اندیشهٔ انسان شده است. نظامی، سرآمد داستان‌پردازان غنایی زبان فارسی، در آثار خود، علاوه بر استفاده از ارتباطات کلامی، از ارتباطات غیرکلامی برای زنده نگه داشتن آن‌ها استفاده کرده است. در این جستار با روش تحلیلی– توصیفی به بررسی و تحلیل فنون بدن بازنمایی جامعه‌شناسی بدن ایرانی در خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریهٔ مارسل موس پرداخته شده است. در این میان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بدن با بازنمایی ادبیات کلاسیک با تکیه بر ژانر عاشقانه (خسرو و شیرین) می‌تواند پهنه‌ای برای آشنایی فرهنگ و اجتماع ایران را در پی داشته باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فنون بدن و مهارت‌هایی همچون: شمشیرزنی، نیزه‌زنی، تیراندازی، شکار، اسب سواری و غیره به وفور دیده می‌شود. علاوه براین قوای جسمانی، سن و مهارت‌های یادگیری در کودکی و بلوغ و تأثیرآن در کنشگر، نحوه مصرف و حفظ تعادل غذا و مسائل دینی به طور قابل ملاحظه‌ای مشهود است.

کلیدواژه‌ها: فنون بدن، اجتماع، نظامی گنجه‌ای، خسرو و شیرین، مارسل موس.

[۱]. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران.
gabarutianm@gmail.com
[۲]. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران. (نویسندهٔ مسؤول)
alirezaghojezade@yahoo.com
[۳]. استادیار گروه زبان و ادبایت فارسی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران.
ma.akbarzade@iau.ir
[۴]. استادیار گروه زبان و ادبایت فارسی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران، ایران.
mail@iau.ac.ir

مقدمه

از گذشته تاکنون بدن با تمام اعضای آن، وسیله‌ای برای عملکردهای اجتماعی انسان بوده است. در اواخر سال‌های دههٔ (م۱۹۶۰) بدن به مثابهٔ موضوع جدیدی وارد علوم اجتماعی شد و این به کمک پژوهشگرانی همچون ن.الیاس (Norbert Elias)، م.فوکو(M. Foucault)، ژ.بودریار (j.Baudrillard)، ژ.دولوز (G. Deleuze)، م.داگلاس(M. Douglas) ، ب.ترنر (B. Turner) و غیره انجام گرفت. بدن در این زمان موضوعی بحث برانگیز بود که توانست خود را به عنوان یک تحلیل‌کنندهٔ کنش‌های اجتماعی یا بازنمایی‌هایی که به صورتی عمیق در اندیشهٔ جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی تجدید شده بودند، مطرح کند. جامعه‌شناسی کاربردی بدن، راهی را از میان پهنهٔ علوم اجتماعی در برابر ما قرار می‌دهد که مدام از دیگر میدان‌های شناختی مانند تاریخ، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی، پزشکی و غیره گذر می‌کند. بدن رابطی میان امر اجتماعی و فردی و گاه میان طبیعت و فرهنگ است. از دههٔ (۱۹۶۰ م) تلاش‌های پژوهشی در این زمینه به صورت نظام‌مندی انجام شده است. این فعالیت‌ها امروز دیگر به صورت استثنایی در مجموعه‌های پژوهشی نیستند بلکه در سایر جهات توسعه می‌یابند. برای مثال مارسل موس به فنون بدن و یا زیمل در دستگاه‌های حسی پرداخته‌اند. وظیفهٔ این جامعه‌شناسی در آن است که حوزه‌های مبهم را روشن کند بدون آن‌که توهمی را ایجاد کند. پژوهشگران این رشته باید آن‌قدر تواضع و احتیاط و ابتکار داشته باشند که بتوانند اندیشه را در خدمت آن به کار بگیرند. بدن موضوع پرسش‌های پراکنده‌ای درون جامعه‌شناسی است. سه جهت‌گیری پژوهشی در این زمینه وجود دارد:۱- جامعه‌شناسی نقطه مقابل (ژ. ام. برتلو)، ۲- جامعه‌شناسی موردی، ۳- جامعه‌شناسی بدن. با بازنمایی بدن از طریق بازتاب اجتماعی و فرهنگی آن، چه در سطح ادبیات کلاسیک و چه در سطح ادبیات نو می‌توان روابط میان فرهنگ‌ها را به نمایش گذاشت. در طول تاریخ هیچ ژانری را نمی‌شناسیم که به اندازهٔ ژانرهای عاشقانه در تربیت عواطف، زیبادوستی و مهرورزی انسان موثر بوده باشد. ژانرهای عاشقانه، به اقتضای موضوعشان، مناسب‌ترین زمینه برای طرح زیبایی بدن هستند؛ زیرا این ژانرها دربردارندهٔ احساسات و عواطف شاعران و نویسندگان هستند و موضوع محوری در همهٔ آن‌ها عشق میان انسان‌ها است. منظومه‌های عاشقانه در زبان فارسی توسط نظامی به حد اعلای کمال رسید. او از جمله سخن‌گویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به سبک و روشی خاص دست

یابد. نگارندان در پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از رویکرد زبان بدن در ایجاد روابط اجتماعی، تلاش می‌کنند تا با بررسی خسرو و شیرین نظامی، ذهنیت بدن‌مندانهٔ اجتماعی، میزان کاربرد و تنوّع حرکات اندامی و بازنمایی اجتماعی بدن ایرانی را در میان شخصیت‌های درون اثر منتخب نظامی گنجه‌ای تبیین کنند. هدف از این جستار تبیین فنون بدن در خسرو و شیرین نظامی و بازنمایی جامعه‌شناسی بدن ایرانی، در خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای است.

پیشینهٔ تحقیق

استوارت هال (۱۹۹٦م) در نظریه‌های جامعه‌شناختی خود به مدل رمزگذاری و رمزگشای حرکات بدنی در ایجاد رابطه تأکید می‌کند. مرلوپونتی (۱۹٦۵م) فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی برای نخستین بار بحث پدیدارشناسی بدن را مطرح می‌کند. ژاک فونتنی کتابی با عنوان *بدن و معنا* (۲۰۱۱م) دارد که مدار موضوعی آن پیرامون مباحث معناشناسی می‌گردد. ویولی (۲۰۰٤م) اثری با عنوان *بدن، زبان و ذهن* دارد که در بخشی از آن، از بدن به عنوان ابزاری کاربردی برای استعاره‌سازی یاد می‌کند. در ادبیات فارسی دکتر سید مهدی زرقانی و دیگران (۱۳۹۷) در کتاب خود «تاریخ بدن در ادبیات» به بررسی بدن در ژانرهای مختلف عارفانه، عاشقانه، حماسی، هجو و علم الجمالی در بسیاری از آثار ایران پرداخته است. فروزان شهرکی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی زبان بدن در رمان (ایّام معه) از کولیت الخوری و (بامداد خمار) از فتانه حاج سید جوادی»(۱۳۹٦) به دلیل حضور گسترده مفاهیمی چون ترس، دلهره و اضطراب در رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های زنانهٔ دو داستان، پرداخته است. در مقالهٔ «تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس» از مینا بهنام و دیگران (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده‌اند که مولوی از مقولات بیرونی از جمله علائم زبان بدن در متن غزلیات شمس نیز غافل نمانده است. مقاله «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» از علی اکبر باقری خلیلی و مرضیه زلیکانی (۱۳۹٤) در این پژوهش مصادیق زبان بدن را به عنوان یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی می‌داند. مقالهٔ دیگری با عنوان «تحلیل ارتباط غیرکلامی در منظومه لیلی و مجنون نظامی» از افسانه اولادی قادیکلائی و حسین پارسایی(۱۳۹۹) است. در این مقاله ارتباط غیرکلامی منظومه لیلی و مجنون را بررسی نموده است و مقاله «تحلیل ارتباطات غیر کلامی در منظومه غنایی خسرو و شیرین» از افسانه اولادی قادیکلائی و حسین پارسایی (۱٤۰۰) است که نگارنده با

پژوهش در ارتباطات غیرکلامی منظومه خسرو و شیرین را بررسی نموده است. با توجه به پیشینهٔ تحقیق، می‌توان گفت که هیچ پژوهشی به تأثیر و اهمیت فنون زبان بدن و هویت اجتماعی در اشعار نظامی صورت نگرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش «توصیفی-تحلیلی» است. در این پژوهش، شیوهٔ گردآوری و استخراج اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است؛ بدین صورت که سعی شده با رجوع به منابع و آثار دسته اول کتابخانه‌ای، مجلات معتبر علمی- پژوهشی و تحقیقات معتبر دانشگاهی مواد اولیهٔ تحقیق فراهم گردد. نسخه مورد نظر برای آثار نظامی، تصحیح «دکتر ثروتیان» است.

مبانی تحقیق

زبان بدن

«زبان بدن» روشی ارتباطی است که گام، چهره، کلمه، دست و زبان خود را داراست و اگر این کلمات ناساخته از حروف با دستور و قواعد خاص خود، به‌درستی ادا شود و حرکات اعضای بدن با آن هماهنگ نباشد و به یکدیگر نپیوندد، «عبارات غیرشفاهی و حالات غیرمنتظره‌ای» را تشکیل می‌دهند. این عبارت‌ها بعد از متصل شدن به یکدیگر عبارات و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام‌های ما را به دیگران منتقل کنند. (ر.ک: ریچموند،١٣٨٧:٨١). زبان بدن می‌تواند گاه یک مکمل معنایی باشد یا اینکه ورای ظاهر سخن گوینده، با توجه به مفهوم این حرکات حقیقت پنهان در پشت واژه‌هایی را که گوینده برای انتقال پیام به مخاطب به کار می‌گیرد، آشکار کند.(ر.ک: پیز،١٣٨٩: ٢٨). یاکوبسن معتقد است شعرشناسی به مسائل ساختار کلام می‌پردازد؛ در نتیجه شعرشناسی را باید جزء مکّمل زبان دانست. (ر.ک: پاینده، ١٣٨١:٩٤)

فنون بدن

در سال (١٩٣٤م) مارسل موس مفهوم فنون بدن را مطرح کرد. فنون بدن حرکات نظم یافته‌ای که به منظور دستیابی به کارایی عملی یا نمادین انجام می‌گیرند. این فنون شامل قواعد عملی، تکرار حرکات و اداها همزمانی‌ها و تنظیم‌های ضرب‌آهنگ‌های ماهیچه‌ای هستند که با هدف غایی مشخصی انجام می‌گیرند. موس با اشاره به خاطرات شخصی‌اش، به تغییر در حرکتی مثل شنا کردن از یک نسل به نسل دیگر در جوامع ما و به طور کلی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر

اشاره می‌کند. همین امر به نظر او در حرکاتی چون قدم زدن، دویدن، حرکات دست در حال استراحت، استفاده از بیل یا روش‌های شکار و تیراندازی نیز صادق است. موس بر مشاهدات خود تأکید می‌کند تا بگوید فناوری را نمی‌توان در رابطه‌ای میان انسان و ابزار خلاصه کرد و بسیار پیش از این امر، ابزاری دیگر که به نوعی بنیان‌گذار است، وارد عمل می‌شود: بدن، نخستین و طبیعی‌ترین ابزار انسان است بدن که بر اساس عادت وارهٔ (habitus) فرهنگی شکل می‌گیرد، به کارایی‌های عملی منجر می‌شود.

فنون بدن بنابر سن

فنون بدنی خاص زایمان و حرکات مربوط به زایش فنون کودکی، بلوغ، بزرگسالی. در اینجا موس از جمله به فنون مربوط به خوابیدن، استراحت کردن و فعالیّت قدم‌زدن، دویدن، رقصیدن، پریدن، شناکردن، جهیدن، پایین رفتن و حرکات اجباری؛ از فنون نگهداری و رسیدگی به بدن توالت و بهداشت؛ از فنون مصرف غذا خوردن و نوشیدن؛ از فنون بازتولید یاد می‌کند. در این مورد آخر، موس روابط جنسی را زیرمجموعهٔ فنون بدن قرار می‌دهد و تنوع موقعیت‌های جنسی را در این روابط یادآوری می‌کند؛ او هم‌چنین به فنون درمان (ماساژ) اشاره می‌کند.

فنون بدن بنابر جنسیت

تعاریف اجتماعی مرد و زن در واقع اغلب حرکات ضابطه‌مند شده متفاوتی را نیز ایجاب می‌کنند. (Mauss, 1950: 363-386)

بحث

موس در نتیجه‌گیری مطالب خود با یادآوری وجود فنون بدن در ادیان گوناگون (مسائل دینی) برای مثال فنونی چون یوگا یا فن تنفس در تائوئیسم به پایان می‌برد.

(M. Granet, Études sociologiques sur la Chine, Paris, PUF, 1953, ou de H.Maspero, Les Procédés de "pourrir le souffle vital", Le taoisme et les religionschinoises, Paris, Gallimard, 1971)

در این جاست که لوی استروس پیشنهاد به وجود آوردن یک «بایگانی بین‌المللی فنون بدنی» (Archives internationales des techniques corporelles) را مطرح می‌کند که شامل ثبت حرکات فیزیکی گروه‌های انسانی در گسترده‌ترین شکل ممکن است. به نظر او این بایگانی‌ها می‌توانند اطلاعاتی با غنای بی‌نظیر درباره مهاجرت‌ها و تماس‌های فرهنگی که در زمان‌های دور دست انجام شده‌اند به ما ارائه دهند. حرکاتی که شاید به نظر بی‌معنا بیایند از نسلی به نسل

دیگر منتقل شده‌اند و همین بی‌معنایی ظاهری از آن‌ها محافظت کرده است و همین حرکات گاه بهتر از کشفیات باستان‌شناختی و بناهای تجسمی می‌توانند ما را با فرهنگ‌ها آشنا کنند. این پروژه در فرانسه به صورت روشمندی در گاهنامه حرکت و تصویر (Geste et image) که برنار کوشلن (Geste et image) هدایتش می‌کند ادامه یافته است. کوشلن، بدین ترتیب مسئله ثبت نمادین زنجیره‌های حرکتی را مطرح می‌کند. (Koechlin, 1968: 36-47) «تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع از شعر؛ یعنی شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند نظامی است.» (صفا، ١٣٦٩: ٨١٧) نظامی از همان آغاز زندگی، ادواری را پشت سر گذرانده که به ترتیب این مراحل، «دوره‌های طلبگی، حکیمی، سالکی و سرانجام شاعری و هنرمندی او ختم می‌شود.» (ثروتیان، ١٣٨٥: ١١٨) داستان خسرو و شیرین تنها به سرگذشت شخصیت‌های داستان نمی‌پردازد بلکه «سرگذشت مشترک آدمیان مثل آیینه‌ای است که هر کس می‌تواند تصویر خود را در آن ببیند.» (مرتضایی و دیگران، ١٤٠١: ٤٤٦) در ادامه به بررسی فنون بدن در اشعار خسرو و شیرین نظامی می‌پردازیم.

بازده و مهارت‌ها

یکی از حوزه‌های فنون بدن، خاص افرادی است که مهارت‌های خود را پرورش داده‌اند مانند: بازیگران سیرک، آکروبات‌بازها طناب‌بازها، آتش‌خوارها و کسانی که شمشیر در گلوی خود فرو می‌برند. مهارت این افراد برای مخاطبان شگفت‌زده، کارکردی خیالی و پراهمیت دارد. ما با گرد هم آمدن و ترکیب حرکات ظریفی روبه‌رو هستیم که سادگی هر حرکت اغلب، زمان و مشکلاتی را که صرف آموزش و درونی کردن آن و رسیدن به این مرحله از ترکیب کنش‌ها شده است را می‌پوشاند، در حالی‌که برای چنین مهارتی نیازمند دوره‌ای طولانی از ریاضت‌کشی بوده است. فهرست چنین فنونی بسیار گسترده است: از روش‌های شنا تا شیوه‌های زایمان از روش‌های پرتاب نیزه تا شیوه‌های پرتاب بومرنگ؛ از اشکال شستن لباس‌ها تا راه‌های بافتنشان از شیوه‌های یک آکروبات باز تا چگونگی راندن یک خودرو؛ از روش‌های راه رفتن تا حالت-های خوابیدن و فنون شکار و صید ماهی و غیره. یک فن بدن زمانی به اوج خود می‌رسد که به مجموعهٔ حرکات خودکار تبدیل شود و خود را به صورت آنی به کنشگر تحمیل کند بی‌آنکه نیازی به انطباق یا آمادگی پیشین از جانب او باشد.

شمشیرزنی

در خسرو و شیرین فعالیت‌ها و مهارت‌های رزمی و ورزشی به وفور دیده می‌شود. در گذشته مهارت شمشیرزنی برای نشان دادن قدرت و بزرگی بسیار حائز اهمیت بوده است. خسرو در دوران کودکی چنان پر قدرت و شجاع بود که با مبارزان سرپنجه می‌گرفت و تنهایی بر دشمن که همچون ستونی بود، شمشیر می‌کشید:

به سرپنجه شدی با پنجهٔ شیر ستونی را قلم کردی به شمشیر

(نظامی،۱۳٦٦:۱۲۷)

خسرو در هنگام سخن گفتن، گویی دُرافشانی می‌کند و با شمشیر می‌تواند شیری را از پای درآورد. مصراع اول به سخنوری خسرو و مصراع دوم به مهارت شمشیرزنی او اشاره دارد:

سخن گوید دُر از مرجان برآید زند شمشیر، شیر، از جان برآید

(همان،۱۷۳)

در بیت زیر به مهارت شمشیرزنی خسرو اشاره می‌کند:

چو باشد نوبت شمشیربازی خطیبان را دهد شمشیر غازی

(همان،۱۷٤)

در بیت فوق، فعل دهد می‌تواند دو فاعل داشته باشد. به همین دلیل می‌توان بیت را دو گونه معنی کرد:

الف) خسرو شمشیر جنگجویان را به سخنرانان می‌دهد، مفهوم آنکه جنگجویی در برابر ایشان باقی نمی‌ماند و شمشیر آن‌ها را به خطیبان می‌دهد تا به نام او خطبه بخوانند.

ب) جنگجو، از روی ترس، شمشیر خود را به سخنوران می‌دهد تا به نام خسرو خطبه بخوانند. (ر.ک: همان، ۸۰٦) بیت را هر گونه معنی کنیم، مهارت شمشیرزنی خسرو را بیان می‌کند.

تیراندازی و نیزه‌زنی

در اشعار نظامی مهارت‌های تیراندازی و نیزه‌زنی به زیبایی به تصویر کشیده می‌شود. در بیت زیر، گشودن گره مو به وسیلهٔ تیر و ربودن حلقه‌های زره با نیزه، بیانگر مهارت در تیراندازی و نیزه‌زنی است:

به تیر از موی بگشادی گره را به نیزه حلقه بربودی زره را

(همان،۱۲۷)

و همچنین مهارت در تیراندازی در بیت زیر:

در آن آماج کاو کردی کمان تیز ز طبل زهره کردی طبلک آویز

(همان،۱۲۷)

این بیت ظاهراً «دارای تعقید لفظی و معنوی است». طبلک‌بازی در معنی طبلی خرد که برای برانگیختن مرغان شکاری می‌نواخته‌اند. (در آن آماج که او کمان تیز می‌کرد، طبلک [را] از طبل زهره آویز[ان] می‌کرد). محتمل است «طبلک آویز» یک ترکیب و دارای معنی خاصی بوده باشد که در آن صورت طبل زهره را هدف قرار داده آن را بر زمین آورده از آن «طبلک آویز» می-ساخت.» (همان، ۷۹۱). شاعر، در بیت زیر به مهارت نیزه‌زنی خسرو چنین اشاره می‌کند که خسرو در چهارده سالگی هنگامی که نیزه‌اش را حرکت می‌داد، سرنیزه آن سنگ خارا و سخت را چاک می‌داد:

چو برق نیزه را در سنگ راندی سنان در سینهٔ خارا نشاندی

(همان،۱۲۸)

از ابیات زیر برمی‌آید که شیرین، کنیزان و خسرو علاوه بر آن‌که در تیراندازی و پرتاب نیزه مهارت داشتند، شکارچیان ماهر بوده‌اند.

وز آن جا سوی صحرا ران گشادند به صید انداختن جولان گشادند

نه چندان صید گوناگون فکندند که حدش در حساب آید که چندند

به زخم نیزه‌ها هر نازنینی نیستان کرده برگوران زمینی

به نوک تیر، هر خاتون سواری فرو داده ز آهو مرغزاری

ملک زآن ماده شیران شکاری شگفتی مانده در چابک سواری

(همان،۲٤۹)

اسب‌سواری و گوی‌بازی

از مهارت‌های دیگر که در گذشته خصوصیات پهلوانی و شجاعت افراد محسوب می‌شده، اسب‌سواری بوده است. چنانکه (شاپور در توصیف خسرو می‌گوید) خسرو هنگامی که زین خود را بر اسب می‌گذارد و تکاوری می‌کند و در پهلوانی و سوارکاری همچون رستم به نظر می‌رسد و در هنگام می‌خواری نیز چون کیقباد پیمانه در پیمانه سر می‌کشد:

بـر ادهـم زیـن نهـد رسـتم نهـاد اسـت بـه مـی‌خـوردن نشـیند کیقبـاد اسـت

(همان،۱۷۳)

نظامی، شاعر آذربایجان در ابیاتی دیگر نیز، شیرین و خسرو را سوار بر اسب، به میدان چوگان‌بازی می‌برد تا هنرنمایی این دو عاشق و معشوق را در یکی از بهترین و اصیل‌ترین ورزش‌های ایرانی نشان بدهد. هر دو در اسب‌سواری و گوی‌بازی مهارت به سزایی داشتند:

به شـیرین گفـت هـان تـا رخـش تـازیم در ایـن پهنـه زمـانی گـوی بـازیم

ملـک را گـوی در چوگـان فکندنـد شـگرفان شـور در میـدان فکندنـد

ز چوگـان گشـته بیدسـتان همـه راه فلـک زان بیـد صـندل سـوده بـر مـاه

به هـر گـویی کـه بـردی بـاد از آن بیـد شکسـتی درگریبـان گـوی خورشـید

(همان،۲٤۸-۲٤۹)

در این میدان، نظامی به توصیف اندام ظاهری قهرمان منظومهٔ خود، شیرین، می‌پردازد که در عین زیبارویی و چابک‌سری او را هم گوشزد می‌کند. شیرین دارای اندامی لاغر و چهره‌ای با طراوت بود و همچون مرغی، در اسب‌سواری، چابک بود آن‌گونه که از ده قدمی، بدون آن‌که پایش را روی رکاب بگذارد، از فاصلهٔ دور از روی زمین می‌جست و بر روی زین اسب می‌نشست. (ر.ک: همان، ۹۳٦)

بـه آن نـازک‌تنـی و آب داری چـو مرغـی بـود در چابـک‌سـواری

چنـان چابـک‌نشـین بـود آن دلارام که در جستی بـه زیـن مقـدار ده گـام

(همان،٤۱۷)

مهارت شکار

در منظومهٔ خسرو و شیرین یکی از خصلت‌های بارز قهرمان داستان، خسرو، شکار کردن است. این هنر جز لاینفک رفتاری و جسارت حاکمان و پهلوانان در تاریخ هر کشوری، به ویژه ایران، است. نظامی در این منظومه با رویکردی به تاریخ خود این چنین هنری را نیز لازمه و برازندهٔ خسرو می‌داند چنانکه در ابیات زیر، به شکار رفتن خسروپرویز می‌پردازد که با یک حرکت تیز و تند باز سبک‌پر و بلندپروازی چون خسرو، از عبارات خالی شدن جهان از وجود پرندگانی چون: کبک و کبوتر، خالی می‌ماند:

روان شـد در هـوا بـاز سـبک‌پـر جهـان خـالی شـد از کبـک و کبـوتر

یکـــی هفتـــه درآن کـــوه و بیابـــان نَرَســـتند از عُقـــابینش عقابـــان
پیـــاپی هـــر زمـــان نخجیـــر مـــی‌کـــرد بـــه نخجیـــری دگـــر تـــدبیر مـــی‌کـــرد
(همان،٤٨٩)

مهارت سنگ‌تراشی

سنگ‌تراشی یا به عبارتی دیگر کوه‌کنی یکی دیگر از مهارت‌های فنون بدنی است که نظامی این فن را برازندهٔ فرهاد، همکلاسی ندیم خسرو؛ یعنی شاپور می‌داند. چنانکه نظامی از زبان شاپور در توصیف هنر سنگ‌تراشی فرهاد این چنین می‌گوید که همهٔ مردم روم او را به خاطر هنرش، تحسین می‌کنند چرا که او می‌تواند با تیشهٔ خود سنگ سخت خارا را به موم نرم مبدل کند:

بـه صـنعت دسـت بوسـندش همـه روم بـه تیشـه سـنگ خـارا را کنـد مـوم
(همان،٣٧٢)

در ابیاتی دیگر نیز می‌بینیم فرهاد به مدت یک ماه از میان سنگ سخت خارا، جوی آبی را با دقّت هر چه تمام‌تر، جاری می‌سازد و بعد از آن نیز حوضی درست می‌کند، به گونه‌ای که حوض کوثر با آن عظمتش بر دست فرهاد بوسه می‌زند و بر هنرش آفرین می‌گوید:

بـه یـک مـاه از میـان سـنگ خـارا چـو دریـا کـرد جـویی آشـکارا
چنـان ترتیـب کـرد از سـنگ‌جـویی کـه در درزش نمـی‌گنجیـد مـویی
چو کار آمـد بـه آخـر حوضـه‌ای بسـت که حوض کوثرش زد بوسه بر دسـت
(همان،٣٧٦)

حکاکی و نگارگری بر روی سنگ از دیگر مهارت‌های فنون بدن فرهاد عاشق‌پیشه است که نظامی آن را این چنین بیان می‌کند:

نخسـت آزرم آن کرسـی نگـه داشـت بـرو تمثـال‌هـای نغـز بنگاشـت
بـه تیشـه صـورت شـیرین بـر آن سـنگ چنـان بـر زد کـه مـانی نقـش ارژنـگ
پـس آنگـه از سـنان تیشـهٔ تیـز گـزارش کـرد شـکل شـاه و شـبدیز
(همان،٤٠٠)

نرد بازی

در این مثنوی، خسرو پرویز گاهی اوقات بر تخت زرّین خود نردبازی می‌کرد و گاهی

اوقات سوار بر اسبش می‌شد و آن را به تاخت وا می‌داشت:

گهی بر تخت زرّین نرد می‌باخت گهی شبدیز را چون بخت می‌تاخت

(همان،٦٤٦)

بیت فوق بیانگر مهارت‌ها و سرگرمی خسرو در نردبازی است.

قوای جسمانی

فعالیت‌های فیزیکی، یکی دیگر از راه‌هایی هستند که فنون بدن خود را عرضه می‌کنند بسیاری از پژوهشگران به سوی توصیف این حرکات در چشم‌اندازهای تاریخی یا تطبیقی رفته‌اند: ژی. بروان(G. Bruant)، ا. روش(A. Rauch) ، ژی. دو فرانس(J. Defrance)، پی‌آرند (P. Arnaud) ، ژی تیبو(J. Thibault) و غیره. جی ویگارلو برای مثال بر میان کنش‌های حرکات بدن و ابزارهایی که در فعالیت‌های ورزشی مختلف به کار می‌رود پرداخته است او نشان می‌دهد تغییر این فعالیت‌ها با ورود مهارت‌های تازه اتفاق می‌افتد.

(G. Vigarello, Une Histoire culturelle du sport: techniques d'hier et d'aujourd'hui, Paris, Revue EPS-Laffont, 1988; P. Duret, Sociologie du sport, Paris, Payot,2004.)

پرش ارتفاع، پرتاب وزنه، دویدن و غیره، برخی رشته‌های ورزشی هستند که شاهد بهبود رکوردهای خود همراه با تغییر فنون بدنی بوده‌اند. یکی دیگر از حوزه‌های فنون بدن از مهارت پیشه‌وری، روستایی، کارشناس هنرمند و غیره تشکیل می‌شود. این حوزه حاصل قابلیت‌های حرفه‌های مبتنی برگروهی از حرکات پایه و برخی تردستی‌هاست که حاصل تجربه فرد از سال-ها فعالیت حرفه‌ای است. در سال ۱۹۷۹، فرانسواز لو (Franco Loux) مطالعه‌ای مورد استناد عرضه کرد که به فنون بدن در فرانسه روستایی سنتی اختصاص داشت این مطالعه بر چندین پژوهش میدانی و همچنین تصاویری متعدد و متنوع تکیه زده بود.

(F. Loux, Le Corps dans la société traditionnelle, Paris, Berger-Levrault, 1979.)

در لابه‌لای ابیات خسرو وشیرین، اشاره‌های متعددی به قوای جسمانی خسرو، فرهاد و دیگر شخصیت‌های این داستان ایرانی دارد. به روایت نظامی، کمان خسروپرویز بسیار سنگین بود به گونه‌ای که حمالان آن را می‌کشیدند در حالی‌که او ده کمان مانند آن را، به تنهایی، حمل می‌کرد:

کسی کاو ده کمان حالی کشیدی کمانش را به حمالی کشیدی

(نظامی،۱۳٦٦:۱۲۷)

در بیتی دیگر خسرو بعد از نه سالگی بازی‌های کودکانه را رها کرد و با شجاعت در میدان جنگ قدم گذاشت:

پس نه سالگی بازی رها کرد حساب جنگ شیر و اژدها کرد

(همان،١٢٧)

در بخشی از داستان، دخترانی که در خدمت شیرین بودند، به خاطر قوای جسمانی بالا در هنگام زورآزمایی چنگال شیر و دندان فیل را می‌کندند:

چو باشد وقت زور آن زورمندان کنند از شیر چنگ از پیل دندان

(همان،١٤٦)

در ابیاتی دیگر، شاعر ساحر، خسرو را به میدان رزم می‌برد، در حالی‌که سرمست است وقتی که به شیری حمله می‌کند، بدون هیچ‌گونه ابزار جنگی و بدون ترس به آن حمله‌ور می‌شود، چنان ضربه محکمی می‌زند که شیر از هوش می‌رود. این ابیات نشان از حالت مستی و قوای بدنی خوب خسرو است:

شه از مستی شتاب آورد بر شیر به یکتا پیرهن بی‌درع و شمشیر

کمانکش کرد مشتی تا بناگوش چنان بر شیر زد کز شیر شد هوش

(همان،٢٥٨)

سن

دستیابی به فنون بدن به وسیلهٔ کنشگران معمولاً نیازمند آموزشی اغلب بسیار صوری شده است؛ هر آموزشی حاصل نوعی فراگیری خاص و وابسته به داده‌های متعدد است یک دورهٔ خاص زندگی کنشگر، سن، جنسیت، جایگاه اجتماعی و حرفهٔ او. فنون بدن و شیوه‌های به کارگیری آن‌ها در یک طبقهٔ اجتماعی نسبت به طبقه دیگر یکسان نیستند و گاه حتی اختلاف-های سنی نمونه‌های مختلف به وجود می‌آورند. خسرو بعد از نه سالگی بازی‌های کودکانه را رها کرد و با شجاعت در میدان جنگ قدم گذاشت. به عبارت دیگر در دوران کودکی شجاعت و دلاوری را به نمایش می‌گذارد:

پس نه سالگی بازی رها کرد حساب جنگ شیر و اژدها کرد

(همان،١٢٧)

دریا شدن درون، بیان کنندهٔ یادگیری و بهره‌مند شدن از تمام دانش‌ها و فنون است:

بـــه انـــدک عمـــر شـــد دریـــا درونـــی بـــه هـــر فـــن در کـــه گفتـــی ذوفنـــونی
(همان،۱۲۹)

در بیت فوق، اندک عمر بیان کنندهٔ سن کم خسرو است. خسرو خطاب به پدرش هرمز می-گوید که من کم سن و سال هستم و مرا نکش. بوی شیر از دندان آمدن، کنایه از سن کم خسرو هست:

هنـــوزم بـــوی شـــیر آیـــد ز دنـــدان مشو در خون من چـون شـیر خنـدان
(همان،۱۳٦)

دندان مجاز از دهان است و در مصراع دوم، مثل شیر خندان شدن هم می‌تواند بیانگر این باشد که مانند شیر خشمگین چنگ در من مزن و یا مانند شیر در ریختن خون من خندان نباش. (ر.ک: همان، ۷۹۳) شاپور در وصف خسرو به شیرین می‌گوید که او اگر چه هنوز جهان را ندیده است و جوان است اما نور چشم و محبوب همه است:

جهـــانی بینـــی از نـــور آفریـــده جهـــان نادیـــده امـــا نـــور دیـــده
(همان،۱۷۲)

جهان نادیده بودن خسرو، بیانگر سن کم اوست. شاپور می‌گوید (خسرو) عجیب و زرنگ و چالاک و بی‌باک است در مهرورزی همچون آهو و در کینه‌ورزی مانند شیر خشمگین است:

شـــگرفی چـــابکی چســـتی دلیـــری به مهر آهـو بـه کینـه تنـد شـیری
(همان،۱۷۲)

در ابیاتی دیگر، خسرو هنوز پرعقاب را به تیر پیکان‌دار نبسته و به بلوغ نرسیده است و موی صورتش در نیامده است و هنوز برگ نیلوفر او از آب بیرون نیامده و نمایان نشده است. ویژگی‌های بیان‌شده، حاکی از سن کم خسرو است:

هنـــوزش پَـــرِّ یَغلُـــق در عُقابســـت هنـوزش بـرگ نیلـوفر در آبسـت
(همان،۱۷۳)

یَغلُق، به معنی تیر پیکاندار است و پر یغلق به معنی پر عقاب است که بر تیر می‌بستند و کنایه از موی سفید است. هنوز چهرهٔ او (خسرو) که همچون آفتاب است ، از خط و ریش که همچون ابری می‌باشد، پاک است و در هنگام جنگ از آفتاب و باران نمی‌ترسد. (ر.ک: حسینی

کازرونی، ١٤٠١: ٥٤) چهرهٔ همچون آفتاب خسرو که هنوز موی آن نروئیده است بیانگر سن جوان اوست:

هنوزش آفتاب از ابر پاک است ز ماه و آفتاب او را چه باک

(نظامی،١٣٦٦:١٧٣)

در ابیاتی دیگر شیرین خود را به مرغ تشبیه می‌کند که در هوای گرم تابستان (در دامنهٔ کوه و جای خوش آب و هوا) بر روی گل‌ها می‌پریده است (دورهٔ بلوغ) و شادمانه می‌زیسته است:

من آن مرغم که بر گل‌ها پریدم هوای گرم تابستان ندیدم

(همان،٥١٣)

جنس و روابط جنسی

چنانچه نظریهٔ موس را دنبال کنیم باید روابط جنسی را نیز درون فنون بدنی جای دهیم. موقعیت‌های بدنی هر نفر در این روابط، از یک جامعه به جامعهٔ دیگر تغییر می‌کنند. افزون بر این زمان مبادله و انتخاب شریک این مبادله نیز متغیر است. از این رو باید برخی پژوهش‌هایی که دربارهٔ خلسه یا تسخیر انجام شده است را هم جزو این فنون قرار دهیم. اگر چه فنون بدنی در این‌جا در بعد فرهنگی بی‌نهایت گسترده‌تری معنی می‌یابند. (نگاه کنید به مطالعات زیر:

G. Rouget, La Musique et la transe, Paris, Gallimard, 1980.
R. Bastide, Le Rêve, la transe, la folle, Paris, Flammarion, 1972.
Le Candomblé de Bahia, Paris- The Hague, Mouton, 1958.
M. Eliade, Le Chamanisme ou les techniques archaïques de l'extase, Paris, Payot, 1951.
L Rossi, Corps et chamanisme, Paris, Armand Colin, 1997.
M. Perrin, les Praticiens du rêve, Paris, PUF, 1992.
B. Hell. Possession at chamanisme, Paris, Flammarion, Champs», 1999).

در بیت زیر شیرین با گیسوان خود دلبری می‌کند و یاران و طرفداران بسیاری با طنّازی و زنانگی گرفتار خود می‌کند:

خم گیسوش کاب از دل کشیده به گیسو سبزه را بر گل کشیده

(همان،١٤٣)

دکتر ثروتیان می‌گوید: «آب از دل کشیدن: از چشمه و چاه دل‌ها آب خوردن و پرورش یافتن است و با کنایه دلبری کردن و دل‌ها را بردن و خون‌کردن است و سبزه را به گل کشیدن: خاک‌نشین کردن سبزه و شکست دادن او را.»

روانه شد چو سیمین‌کوه در حال درافکنده به کوه آواز خلخال

بـر شـاپور شـد بـی‌صـبر و سـامان　　به قامـت چـون سـهی سـرو خرامـان
بـر و بـازو چـو بلـورین حصـاری　　سر و گیسو چـو مشـکین نوبهـاری
دلـش را بـرده بـود آن هنـدوی چسـت　　به ترکی رخت هنـدو را همـی‌جسـت
رخ چـون لعبـتش در دلنـوازی　　به لعبت‌بـاز خـود مـی‌کـرد بـازی

(همان، ۷۹۳)

شیرین هنگامی‌که متوجّه شد، این کهبد از تصویر خسرو باخبر است و کلید معمای آن عکس به دست او باز می‌شود با تنی سیمین و موهایی عطرآگین و چهره لعبت‌گون خود به فریب‌کاری و شعبده‌گری شگفت‌انگیز خود می‌پردازد و چنانکه با نشان دادن شگفتی و زیبایی خود، شاپور را تحت تأثیر خود قرار داد و روبند از چهره‌اش برداشته و با لب نمکین و چشم پر از ناز به رسم کهبدان با او سخن می‌گوید:

ز شـیرین کـاری آن نقـش جمـاش　　فرو بسته دهـان و دسـت نقـاش
نقـاب از گـوش گـوهرکش گشـاده　　چو دریا گـوش بـر گـوهر نهـاده
لبـی و صـد نمـک چشـمی و صـد نـاز　　بـه رسـم کهبـدان در دادش آواز

(همان،۱٦۸-۱٦۹)

تمام ابیات بالا، طنازی و ویژگی بدن جنس مونث را بیان می‌کند. شیرین تن خود را همچون کوه برفین، پیچ وتاب می‌داد و شاه با دیدن این منظره از روی حسرت پایش فلج و رنگ چهره‌اش زرد و روح و روانش بیمار شده بود. نظامی در توصیف چشمهٔ شیرین، تابلوی بی‌نظیری را از زیبایی بدن ارائه می‌دهد و پیچ و تاب دادن تن شیرین، بیانگر طنازی‌ها و حرکات ظریف زنانه است:

تـنش چـون کـوه بـرفین تـاب مـی‌داد　　ز حسـرت شـاه را سـیماب مـی‌داد

(همان،۱۹۱)

در بیت زیر نیز هر چند ناز وعتاب شیرین، به آرزو، که همچون شیشه بود، سنگ می‌زد و در گفتن اسرار دل کرشمه و ناز می‌کرد و حرف دل خود را واضح نمی‌گفت، با وجود این لب‌های همچون عقیق او، ارزش خود را در آن مجادله عاشقانه، تعیین می‌کرد (طنازی و عشوه‌گری و بیانگر تهدیدهای مادگانه شیرین):

عتـابش گرچـه مـی‌زد شیشـه بـر سـنگ　　عقـیقش نـرخ مـی‌بُرّیـد در جنـگ

(همان،۳٦٤)

خسرو خطاب به شیرین می‌گوید: نحوهٔ قرار گرفتن لب تو که همچون شکر است در چهره و رخ تو که همچون گل است، آن‌چنان با هم سازگار هستند که زیبایی تو را دو برابر می‌کند و خرما هوس می‌کند که شکر تو را بخورد:

گلت چون با شکر هم‌خواب گردد طبرزد را دهان پرآب گردد

(همان،٥١٩)

شیرین خطاب به خسرو چنان پاسخ وی را با طنازی و زنانگی می‌دهد که شاه (خسرو) را غلام و بنده حلقه به گوش خود می‌کند:

ز راه پاسخ آن ماه قصب‌پوش ز شکّر کرد شه را حلقه در گوش

(همان،٥٢٣)

دست به معنی آداب و رسوم آن زمان، از خودش ادا و اطوار در می‌آورد و زیبایی خود را به نمایش می‌گذاشت و گاهی گیسوان خود را می‌بست. (طنازی و زنانگی) با توجّه به تحقیقات دانشمندان «میان دست و مغز انسان بیش از نقاط دیگر بدن ارتباط عصبی وجود دارد.» (شکوری و شکری، ١٤٠٠: ١٣).

به آن آیین که خوبان را بود دست زنخدان می‌گشاد و زلف می‌بست

(همان،٥٢٩)

شیرین خطاب به خسرو می‌گوید: اگر چه چهرهٔ من همانند آتش نقره‌ای، رنگ‌پریده گشته است و من همچنان افراد عاقل را عاشق خود کرده و آنان را فریب می‌دهم و عاشق‌کش عاقل فریب می‌باشم. زیرا «شیرین از کان جهان دیگر است. چنان غروری در اعماق وجود این زن سرسخت نهفته است که سرش به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید.» (سعیدی سیرجانی، ١٣٦٨: ٢٩)

اگر چه نار سیمین گشت سیبم همان عاشق‌کش عاقل فریبم

(همان،٥١٧)

سیب در مصراع اول استعاره از رخ و نار سیمین، آتش نقره‌ای و ایهاماً آتش سیمابی خورشید است.

فنون بدن در ادیان مختلف

موس در میان دسته‌بندی فنون بدن، به فنون بدن در ادیان گوناگون نیز اشاره می‌کند. برای مثال فنونی چون یوگا یا فن تنفس در تائوئیسم را نام می‌برد.

(Granet, Études sociologiques sur la Chine, Paris, PUF, 1953, ou de H. Maspero, Les Procédés de "pourrir le souffle vital", Le taoisme et les religionschinoises,Paris, Gallimard, 1971)

گوردون هیوز (Gordon Hewes) دربارهٔ اشکال خاصی از فنون بدن، از جمله شیوه نشستن یا ایستادن مطالعه کرده است. او بر میان کنش‌های فیزیولوژی و آناتومی از یک طرف و امر فرهنگی از طرف دیگر در به عمل درآمدن حرکات بدنی تأکید دارد. وی فقط با استفاده از طرحی ساده شده، شیوه‌های استفاده از بخش‌های مختلف بدن را بنابر آن که چگونه بایستیم، بنشینیم و زانو بزنیم دستان و بازوانمان را در موقعیت‌های مختلف قرار دهیم و غیره، نشان می‌دهد. هیوز، پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعه بر این حوزهٔ نادیده انگاشته را به توجّه در پنج سطح تحلیلی گوناگون دعوت می‌کند: رابطه میان حرکات با دستگاه‌ها با ابزارهای مختلف زندگی روزمره با حرفه‌ای؛ رابطه حرکات با داده‌های پیرامون محیط‌شناسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره. ابعاد روان‌شناسانه یا روان‌کاوانه آن‌ها؛ سطح جامعه تاریخ‌شناسی این حرکات؛ اشاعه آن‌ها از خلال پهنه‌ای جغرافیایی در طول تماس‌های فرهنگی که این نیز موضوع مطالعه عظیمی است. جی هیوز سرانجام به پنجمین سطح تحصیل می‌پردازد که به نظر او به ابعاد تبارشناسانه این حرکات مربوط می‌شود. (Hewes. 1955: 57) ، نظامی در خسرو و شیرین به فنون بدن در ادیان گذشته مانند: دعا کردن، سوگند خوردن، زمین بوسه زدن و غیره اشاره می‌کند. در ابیاتی از کتاب، خسرو پرویز در حالی‌که در دربار خود بر تخت نشسته بود، پیکی وارد می‌شود، زمین را می‌بوسد و برای پادشاه دعا می‌کند و می‌گوید: «همیشه شادمان باش و در توانگری، خوش-اقبال و سعادتمند باش». که به دعا کردن در دین زرتشت اشاره دارد:

زمین بوسید و گفتش شادمان باش به صاحب‌دولتی صاحب‌قران باش

(نظامی،۱۳٦٦: ۳۳۱)

نقطه مقابل دعا، نفرین است. خسروپرویز به مریم می‌گوید: اگر شیرین را به مشکوی بیاوریم، من او را ملاقات نمی‌کنم و اگر ملاقات کردم، چشم من کور شود:

نبینم روی او گر باز بینم پر آتش باد چشم نازنینم

(همان، ۳٤۰)

سوگند خوردن در ادیان مختلف جایگاه والا و مقدسی دارد. اطرافیان خسرو به او می‌گویند، تو پادشاهی هستی که بزرگان در پناه تو هستند و شاهان دیگر به خاک پای تو سوگند می‌خورند:

کمین مولای تو صاحب کلاهان به خاک پای تو سوگند شاهان

(همان،٣٨٨)

در جای دیگر دعا را همراه با نفرین چنین بیان می‌کند که پرچم همواره با توان تو به جانب دشمن برود به عبارت دیگر، دشمن همواره در معرض حملهٔ تو باد. جامهٔ بخت و اقبال، شایستهٔ قد و قامت تو باشد و کمان گردون در مقابل توان تو، سست و ضعیف باشد و سپهر از تو درمانده باشد:

به نیروی تو بر بدخواه پیوست عَلَم را پای باد و تیغ را دست

به بالای تو دولت را قبا چست به بازوی تو گردون را کمان سست

زیادت بخت باد از بختیاری که پشتیوان پشت روزگاری

(همان،٥٥٤)

در ابیات فوق، شیرین، خسرو را دعا می‌کند. و آرزو می‌کند که از خوشبختی، اقبالش بلند باشد زیراکه پشتیبان و حامی مردم روزگار است. نیایش از توصیف میان عجز بنده و خالق ایجاد می‌شود. «وجه نیایشی در داستان‌های عاشقانه، در واقع، تک‌گویی درونی شخصیت‌های داستان است. شاعر روایت را رها می‌کند و در ابیاتی طولانی به شخصیت داستانش اجازه می‌دهد تا «من» درون خود را آشکار سازد.» (ذاکری کیش، ١٣٩٧: ٢٦٣). نیایش شیرین با خداوند نمونه‌ای از کلام با عاطفه و احساس است:

خداوندا شبم را روز گردان چو روزم بر جهان پیروز گردان

شبی دارم سیاه، از صبح نومید درین شب روسپیدم کن چو خورشید

(نظامی، ١٣٦٦: ٢٩٤)

فنون مصرف غذا

موس در میان انواع فنون بدن به نحوهٔ غذا خوردن و مصرف نوشیدنی نیز اشاره می‌کند. با وجود آنکه خرما و خوردن آن برای بدن بسیار مفید است، اما نظامی در میان اشعار خود از مصرف این خوراکی لذیذ به شیوهٔ فنون بدن و بهم خوردن تعادل آن اشاره می‌کند. وی معتقد است آن‌قدر خرما نخور که خرمای لذیذ مانند خارک، بدمزه و تلخ شود و غذای لذیذ در دهان تو، پلید و حرام شود چرا که زیاده‌روی در خوردن، باعث می‌شود، غذایی که حلال است، حرام شود:

مخـور چنـدان کـه خرمـا خـار گـردد گـوارش در دهـن مـردار گـردد

(همان،۳۳۳)

در جای دیگر شیرین دستور داده بود بعد از نثار کردن زر به پای خسرو، گلاب و شکر احسان کنند و شربت‌هایی از گلاب نزد پادشاه ببرند:

چـو از نُـزل زرافشـانی بپرداخـت به گُلاب و شـکر نُزلـی دگـر سـاخت

بـه دسـت چاشـنی‌گیـر چـو مهتـاب فرسـتادش شـرابی‌هـای جلّـاب

(همان،٤٩٦)

آمارها

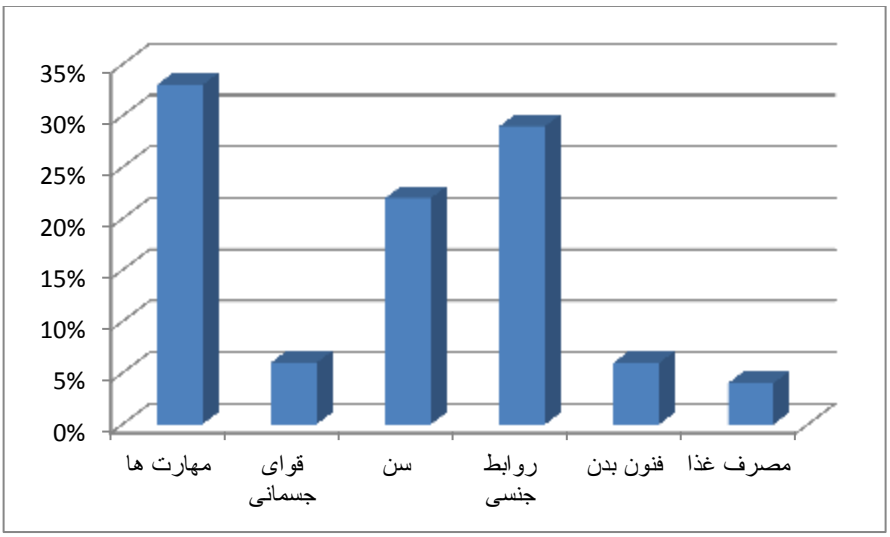

نتیجه‌گیری

اشعار نظامی در زمینهٔ زبان بدن، نقطهٔ عطفی در ژانر عاشقانه – عارفانهٔ ایران است. منظومهٔ «خسرو و شیرین» داستانی در ژانرعاشقانه است که به اقتضای موضوعش مناسب‌ترین زمینه برای طرح زیبایی بدن و نمایاندن چهرهٔ زن در آن روزگار را دارد. در سرزمین شیرین، منعی بر مصاحبت و معاشرت بی‌آلایش مرد و زن نیست. از دید نظامی، زن در عین آزادی، نشانی از عفاف در وجودش نمایان است. شیرین و خسرو، هر دو ورزشکاری که دارای مهارت‌های فنون بدن (۳۳درصد) از جمله سوارکاری، گوی‌بازی، شمشیرزنی، نیزه‌زنی و تیراندازی هستند. هر دو اهل نشاط‌طلبی و طبیعت‌دوستی هستند که با فنون سوارکاری و دفاع از خویش آشنایی دارند و به چوگان‌بازی و نردبازی علاقه‌مند هستند. در این داستان خسرو و شیرین دارای قوای

جسمانی بالا(حدود٦درصد) مانند: حمل کمان سنگین و شجاعت و دلیری در جنگ هستند. طبق نظر موس سن و یادگیری یک مهارت (حدود ٢٢ درصد) ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر دارند. یادگیری در سن کودکی و بلوغ تأثیرمثبتی بر کنشگر می‌گذارد. در این منظومه نیز خسرو بعد از نه سالگی کارهای کودکانه را رها کرده و با شجاعت قدم در میدان جنگ می‌گذارد و علاوه بر جنگیدن، وی از تمام دانش‌ها و علوم نیز بهره‌مند می‌گردد. در این مثنوی، روابط جنسی (حدود ٢٩ درصد) از زیرمجموعه‌های فنون بدن را به خود اختصاص داده است. طبق نظر موس آنچه موجب هنر عشق ورزیدن در میان عاشق و معشوق می‌شود، تأثیرمستقیمی با موقعیت‌های بدن و فنون آن دارد. شیرین در کنار عاشق خود خسرو، اسب می‌تازد، به گردش و تفریح می‌پردازد، با گیسوان خود طنازی می‌کند، مذاکره می‌کند و امتیاز می‌گیرد و در همه حال پاکدامنی خود را پاس می‌دارد. از دیگر فنون بدن که در خسرو و شیرین به چشم می‌خورد، فنون بدن در مسائل دینی (حدود ٦ درصد) مانند دعا کردن، سوگند خوردن و زمین بوسه زدن است. علاوه بر این فنون مصرف غذا و حفظ تعادل بدن و جلوگیری از بیماری‌ها (حدود ٤ درصد) نیز در داستان نمایان است.

منابع

کتاب‌ها

پاینده، حسین. (١٣٨١). *درآمدی بر ادبیات*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

پیز، آلنوباربارا. (١٣٨٩). *چگونه با زبان بدن حرف می‌زنیم*، ترجمهٔ آذر محمودی، تهران: نشراشاره.

ثروتیان، بهروز. (١٣٨٥). *آیینهٔ غیب در مثنوی مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای*، تهران: سبزان.

حسینی کازرونی و سید احمد. (١٤٠١). *داستان خسرو و شیرین به نثر زیبای فارسی*، تهران: ارمغان.

حسینی، مریم. (١٣٨٨). *ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی*، تهران: نشر چشمه.

سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر. (١٣٦٨). *سیمای دو زن*، تهران: نشر نو.

صفا، ذبیح الله. (١٣٦٩). *تاریخ ادبیات ایران*. جلد دوم، تهران: انتشارات فردوس.

میرزا رضایی، حمید. (١٣٩٣). *حکایت خسرو و شیرین(حکیم نظامی گنجوی)*، تهران: نشر روان.

نظامی گنجه‌ای، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف. (۱۳٦٦). *خسرو و شیرین*، تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات توس.

نظامی گنجه‌ای، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف. (۱۳۸٦). *خسرو و شیرین*، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقالات

ذاکری کیش، امید. (۱۳۹۷). تحلیل وجه‌های غنایی در داستان‌های عاشقانه با تکیه بر خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی. *متن ادبی،۲۲(۷۸)*، ۲٤۷-۲۷۱. doi:10.22054/ltr.2017.21808.1862

شکوری، ساناز، و شکری، یدالله. (۱٤۰۰). نشانه شناسی زبان بدن در هفت پیکر نظامی. *مکتب‌های ادبی، ۵(۱٦)*،۷-۲۰. doi:10.22080/rjls.2022.22395.1266

مرتضایی، خدیجه، حسنی رنجبر، احمد، و صالحی، مهدیه. (۱٤۰۱). بررسی و تحلیل دو کهن الگوی آنیما و آنیموس در داستان‌های خسرو وشیرین و لیلی و مجنون نظامی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی(دهخدا)، ۱٤(۵۲)*، ٤۳٦-٤٦٦. doi:10.30495/dk.2022..692046

References

Book

Hosseini Kazrooni, S. A. (2024). *The story of Khosrow and Shirin in beautiful Persian prose*, print. [In Persian]

Hosseini, M. (2009). *The roots of misogyny in classical Persian literature*, Tehran: Cheshmeh Publishing. [In Persian]

Leberton, D. (2013). *Sociology of the body*. Trans. Nasser Fakuhi. Tehran: Sales Publications.

Mirza Rezaei, H. (1393). *The Story of Khosrow and Shirin* (Hakim Nezami Ganjavi), Tehran: Ravan Publications. [In Persian]

Nezami Ganjai, J. M. E. Y. (1987*). Khosrow and Shirin*, edited by Behrouz Sarwatian. Tehran: Toos Publication. [In Persian]

Nezami Ganjai, J. M. E. Y. (1987). *Khosrow and Shirin*, edited by Behrouz Sarwatian, Tehran: Amir Kabir Publication. [In Persian]

Payandeh, H. (2002). *An introduction to literature*, 4th edition, Tehran: Payame Noor University Press. [In Persian]

Pease, A. (2009*). How we talk with body language*, Trans. Azar Mahmoudi, Tehran: eshare.

Saeedi Sirjani, A. A. (1989). *The Face of Two Women*, Tehran: Nashre Now.

Safa, Z. A. (1990). *History of Iranian Literature*, Volume 2, Tehran: Ferdows Publications. [In Persian]

Sarvatian, B. (2006). *The Unseen Mirror in the Masnavi of Makhzanol Asrare* Ganjai Nizami, Tehran: Sabzan. [In Persian]

Third Edition. Tehran: Nashre Ashare.[In Persian]

Articles

Mortezai, Kh., Hassani Ranjbar, A., & Salehi, M. (2002). Investigation and analysis of the two archetypes of anima and animus in the stories of Khosrow, Shirin, Leyli and Majnun Natami. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda), 14*(52), 436-466. doi:10.30495/dk.2022.692046 . [In Persian]

Shokuri, S., & Shokri, Y. (2001). Semiotics of body language in Haft Peykar Nezami. *Literary Schools*, *5*(16) 7-20. doi:10.22080/rjls.2022.22395.1266 [In Persian]

Zakeri Kish, O. (2018). Analysis of lyrical aspects in love stories (based on Khosrow, Shirin, Leyli and Majnun. *Literary Text, 22*(78), 247-271. doi:10.22054/ltr.2017.21808.1862.[In Persian]

English References

G. Hewes. (1995). *World distribution of certain postural habits*, American Anthropologist, u 57.

French References

B. Hell. (1999). *Possession at shamanism*, Paris, Flammarion, Champs.

Ethno-technology: a method of approaching the work gestures of human societies, Gesture and Image, special pumero (1982), pp. 13-38.

F. Loux. (1979). *The Body in traditional society*, Paris, Berger-Levrault.

G. Rouget. (1980). *Music and trance*, Paris, Gallimard.

G. Vigarello. (2004). *A Cultural history of sport: techniques of yesterday and today*, Paris, Revue EPS-Laffont, 1988; P. Duret, Sociology of Sport, Paris, Payot.

H. Maspero. (1971). *The Processes of "Rotting the Vital Breath", taoism and Chinese religions*, Paris, Gallimard.

Koechlin. (1969). *Body techniques and their symbolic notation*, Languages, a 10, pp. 36-47.

L. Rossi. (1997). *Body and Shamanism*, Paris, Armand Colin.

M. Eliade. (1951). *Shamanism or the archaic techniques of ecstasy*, Paris, Payot.

M. Granet. (1953). *Sociological studies on China*, Paris, PUF.

M. Mauss. (1950). *Body techniques, sociology and arthrology*, Paris, PUF.

M. Perrin. (1992). *Dream practitioners*, Paris, PUF.

R. Bastide. (1972). *The Dream, the trance*, the madwoman. Paris, Flammarion.

.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)
Volume 16, Number 62, Winter 2024, pp. 4367-389
Date of receipt: 5/1/2025, Date of acceptance: 6/2/2025
(Research Article)
DOI:

Investigation of Body Techniques and its Social Reflection in *Khosrow and Shirin* Nizami Ganjei based on the Theory of Marcel Mauss

Maryam Jabrotian[1], Dr. Alireza Ghojehzadeh[2], Dr. Marjan Ali Akbarzadeh Zehtab[3], Dr. Parasto Yamini[4]

Abstract

Throughout history, the body has always been an identity builder at the individual and social level. Physical techniques include skills and abilities, physical strength, age, religious issues, food consumption, and sexual techniques to express emotions and feelings and make human thought physical. Nizami, the leader of Persian lyrical storytellers, in his works, in addition to using verbal communication, he used non-verbal communication to keep them alive. In this essay, with analytical-descriptive method, the body techniques of representation of Iranian body sociology in *Khosrow and Shirin* Nizami have been investigated and analyzed based on the theory of Marcel Mauss. In the meantime, sociology and anthropology of the body by representing the classical literature relying on the romantic genre (Khosro and Shirin) can lead to an area for getting to know the culture and society of Iran. The findings of the research show that body techniques and skills such as swordsmanship, spearmanship, shooting, hunting, horse riding, etc. are abundantly seen. In addition to physical strength, age and learning skills in childhood and maturity and its impact on the actor, the way of consuming and maintaining the balance of food and religious issues are significantly evident.

Keywords: body techniques, society, Nizami Ganjei, *Khosrow and Shirin*, Marcel Moss.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

[1] . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran. gabarutianm@gmail.com
[2] . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran. (Corresponding author) alirezaghojezade@yahoo.com
[3] . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran. ma.akbarzade@iau.ir
[4] . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Tehran, Iran. mail@iau.ac.ir